



اتمسفر فضا و پویایی اجتماعی در کیفیت فضاهای شهری

مریم چقامیرزا

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج

marymrz@yahoo.com

چکیده

میزان موفقیت فضاهای شهری با میزان استفاده از آن فضا و حضور انسان در آن متناسب است. در واقع معماری و شهرسازی باید به جای افتراق و جدایی در پی افزایش تعاملات اجتماعی و همبستگی انسان ها باشد. اما آنچه امروزه در اغلب فضاهای شهری با آن روبرو هستیم کاهش روابط و مشارکت اتماعی ساکنان در این فضاهاست. رابطه انسان - شهر را نمی توان با توجه به دیدگاه انسان شناسی ، رابطه ای یکسویه به حساب آورد بلکه باید آن را چرخه ای پویا و بسیار پیچیده شمرد که به گروهی بزرگ از دگرگونی های سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ، تکنولوژیک و فرهنگی دامن می زند. انسان شناسی با رویکرد جامع گرای خود شاید در شهر بهترین و مناسب ترین و به یک معنی "طبیعی ترین" محیط را برای کار خود بیابد. عرصه عمومی مهمترین بخش شهرها و محیط های شهری است که مکان تماس، تعامل و ارتباط بین انسانها است. مردمان عصر حاضر از محیط های شهری خود خشنود نیستند. با وجود این که هنوز در مکان حضور دارند اما دیگر در آن سکونت اختیار نمی کنند. آسایش جسمی و روانی آدمی بر ارکان سه گانه آسایش ، دسترسی به پناهگاه و مقاصد اجتماعی استوار است. هدف این مطالعه بررسی بهبود بخشی به شرایط زندگی در شهرهای ساخته بشر است.

واژگان کلیدی: پویایی، کیفیت فضای شهری، اتمسفر فضا، بهشت اجتماعی، فضای شهری

مقدمه

برتری انسان بر حیوان و نیز برتری انسان بر هوشمندترین ماشینی که تا به امروز ساخته است، در توانایی انتخاب است. انسان به کمک عالی‌ترین قابلیت مغزش می‌تواند بیاموزد و براساس آموخته‌های خود که به شیوه‌ای هنوز اسرارآمیز، در ذهنش سازمان می‌یابد، برآیند چنین انتخاب‌هایی است که تمدن بشری را تا به امروز برپا داشته است. جامعه ایستا جامعه‌ای است که در آن معمولاً به نوآوری نمی‌پردازند و اخلاق اجتماعی، اسیر عرف است و نادیده گرفتن هنجارهای اجتماعی (و یا به قول دورکیم، آنومی)، به ندرت در آن روی می‌دهد، سالخورده‌گان که خزانه سنت‌ها به‌شمار می‌آیند، جامعه را می‌گردانند، تحرک اجتماعی در آن بسیار اندک است و اصولاً کارها به‌نحوی ثابت انجام می‌گیرند. در مقابل جامعه ایستا، جامعه پویا قرار دارد. تفکر انتقادی، ابتکار و حتی انحراف از هنجارهای اجتماعی فراوان‌اند، افکار نو و افراد جوان، محور فعالیت اجتماعی شمرده می‌شوند و زندگی پرتحول جامعه، همه‌کس را به تکاپو می‌اندازد.

این عرصه شامل: خیابانها، پارکها، چهارراهها و پیاده‌روها و پارکها و فضای باز و ساختمانهای محصورکننده است. واژه کیفیت زندگی سرچشمه روشنی ندارد. کیفیت زندگی اگر چه جذابیت و معنی عام دارد، یک تعریف پذیرفته عام ندارد. کیفیت زندگی شهری دربرگیرنده ابعاد روانی است که شاخص‌هایی همچون رضایت، تعلق و امنیت را در بر می‌گیرد. دربرخی موارد، رضایت‌های اجتماعی نیز نامیده می‌شود. همچنین ابعادی محیطی که در برگیرنده‌ی سنجه‌هایی همچون مسکن، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی است. جنبه‌های دیگر در برگیرنده‌ی توجه به فرصت‌های اجتماعی، امیدهای اشتغال، ثروت و اوقات فراغت است (سیف‌الدینی، ۱۸۳۱، ص ۵۷۳).

روش تحقیق

در این تحقیق روش کیفی بوده و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است.

کیفیت زندگی

کیفیت زندگی از طرف سازمان جهانی بهداشت بدین صورت زیر تعریف کرده است: (ادراک فردی از شرایط زندگی شان درارتباط با فرهنگ و سیستم ارزشی که در آن زندگی کرده و در ارتباط با اهداف، انتظارات، استانداردها و توجهات آن‌ها است).

ایستایی و پویایی

ایستایی و پویایی دو مفهوم اصلی نظریه جامعه‌شناسی آگوست کنت (August Comte ۱۷۹۸-۱۸۵۷) است. او جامعه را به یک ارگانیسم زنده تشبیه می‌کرد و معتقد بود، همچنان‌که در زیست‌شناسی بهتر است، کالبدشناسی را از فیزیولوژی جدا کنیم، شایسته است، در جامعه‌شناسی نیز میان ایستایی و پویایی پدیده‌ها، تمایز قائل شویم. این تمایز، مربوط به مفهوم دوگانه‌ی پیشرفت و نظم است. مفهوم نظم دربرگیرنده هماهنگی پایدار میان شرایط موجود اجتماعی است و مفهوم پیشرفت، تحول اجتماعی را در نظر دارد. پس نظم و پیشرفت یا ایستایی و پویایی، پیوسته به یکدیگر وابسته‌اند. مهم‌ترین معیار در ارزیابی شهرها و محیط‌های شهری: بررسی ویژگیهای عرصه عمومی است. توجه به مکانها به جای توجه به ساختمانها، سایر عناصر مصنوع را به عنوان یک‌کل شناخت و به هویت، یگانگی، تباین، و تفاوت مکان برای تامین آسایش و سلامتی مکان توجه داشت.



کیفیت

کیفیت واژه ای است که در تمام رشته های هنری علمی و صنعتی به شکل شهودی (درون ذهنی) درک و به طور مستمر در چار چوب گفتمان حوزه های مزبور به کار برده می شود. کیفیت مفهومی دو وجهی است. هنگامی که این واژه در مورد کیفیت های ملموس همچون: سختی، نرمی، سرعت و غیره به کار گرفته می شود، مفهومی روشن و قابل فهم دارد، لیکن زمانی که در مورد کیفیت های غیر ملموس نظیر: زیبایی، شکوه، تأثیر گذار و غیره استفاده می شود به مفهومی فرار و چند پهلو مبدل می گردد. معنای لغوی واژه کیفیت در فرهنگ زبان فارسی چگونگی، چونی، صفت و حالت چیزی عنوان گردیده است. واژه فارسی (کیفیت) به لحاظ ریشه شناسی (etymology) از واژه عربی «کیفیه» که اسم است، مشتق شده است. از نظر لغوی کیفیت (quality) در زبان انگلیسی به ماهیت، نوع، یا خصوصیت یک شی اشاره می کند. این واژه از لغت های لاتین کیوالیتاس (qualitas) به معنی از یک نوع و از واژه فرانسوی کالیت (qualit) مشتق شده است. واژه کیفیت در زبان انگلیسی به معنای چیزی است که یک شخص، یک شی و یک فکر داشته، موجب خاص و جالب شدن آنها می گردد.

فرهنگ انگلیسی آکسفورد نیز در ذیل واژه «کیفیت» چهار معنا به ترتیب زیر ارائه می نماید:

در جة خوبی ارزش چیزها، خوبی و کمال به مفهوم عام، صفات و خصوصیات، جنبه ویژه و علایم ممیزه.

واژه کیفیت گاهی به عنوان متضاد واژه کمیت به کار گرفته می شود، در این حالت بر خلاف مفهوم کمیت که به خصوصیت فیزیکی ارجاع دارد به خصوصیتی غیر ملموس اشاره می نماید. مراد از کیفیت هنگامی که به عنوان درجه و میزان خوبی یک شی به کار رود این است که: درجه خوبی، آن شی زیاد است. به عبارت دیگر واژه کیفیت در زبان انگلیسی چنانچه بودن قید و اضافات به کار رود به مفهوم کیفیت خوب است. لذا کیفیت یک شی در این نظریه، درجه و میزانی که یک شی از شیئی دیگر بهتر است اشاره دارد. یکی از پرسش های اساسی در بحث کیفیت مسأله حالت وجودی (mode of existence) آن است. به عبارت دیگر هنگامی که گفته می شود: «شیئی دارای کیفیت خاص است». (نظیر یک خیابان زیبا) آیا به این مفهوم است که این خود شیئی است که مالک کیفیت مذکور است و اگر این گونه است، حالت واقعی چنین کیفیتی چیست؟ یا منظور این است که این ما هستیم که کیفیت زیبایی را به آن خیابان اعطا و فرافکنی می کنیم. و یا کیفیت زیبایی زمانی امکان تجلی می یابد که ما خیابان را مورد مشاهده قرار داده باشیم. بحث فوق این پرسش را که چگونه و در کجا چنین کیفیاتی وجود دارند مطرح می نماید. پاسخ این پرسش، یعنی این که آیا کیفیت های زیبا شناختی «در ذهن ادراک کننده» یا در «شی ادراک شده» وجود دارد را می توان در قالب دوگانگی (duality) مشهود «سوز» و «آبزه» یا «فاعل شناسی» و «شی شناسی شده» صورت بندی نمود. از این رو گفته می شود کیفیت یک شی از دو منبع با دو عرصه سرچشمه می گیرد. اولی عرصه ذهنی فرد و دومی عرصه عینی شیء. بر اساس این نظریه، کیفیت هایی متعلق به عرصه ذهنی اند که درون ضمیر فرد ساکن هستند. متقابلاً، کیفیت های مربوط به عرصه عینی، کیفیات متعلق به شیء اند که به شکل موجودیتی خاص در معرض ذهن قرار گرفته و با حقایق جهان خارج سر و کار دارند. کیفیت های ضمیری را می توان به عنوان ارزشهایی که به دشواری قابل کمی شدن بوده و به سختی می توان آن را اندازه گیری نمود و معرفی کرد. کیفیت های مربوط با بیان مطلوب، نا مطلوب، زشت و زیبا بودن اشیاء معمولاً از این دسته هستند. بر خلاف کیفیت های ضمیری، کیفیت های حقیقی اشیاء را می توان به عنوان کیفیاتی که ماهیتی قابل اندازه گیری دارند و به ظرفیت های قابل سنجشی نظیر وزن، ارتفاع و سرعت ارتباط دارند، معرفی نمود. ارزش های ذهنی و روانی یک شیء از آنها به عنوان کیفیت مطلوب شیء نام می برند (نظیر زیبایی) از فرد نشأت می گیرد؛ در حالی که مقیاس های اندازه گیری عینی اشیاء که از آن به عنوان کیفیت های ظرفیتی نام می برند از خود شیء سر چشمه می گیرد از این رو در مورد کیفیت یک شیء می توان گفت: «کیفیت یک شیء درجه و میزان برتری، مشابهت یا فرو تری آن نسبت به اشیاء دیگر است»، که توسط انسان از طریق ذهنی و عینی به عنوان مجموعه ویژگی های آن شیء درک و محسوب می گردد. کیفیت یک شیء از دو منبع ضمیر فرد و خود شیء نشأت می یابد و به ترتیب آنها را ارزش و مقیاس اندازه گیری نامیده، بیانگر دو گروه کیفیت های مطلوبی و کیفیت های ظرفیتی اشیاء هستند.

حس و حال (اتمسفر) فضا

به گفته پترزومتورا اتمسفر فضا مقوله ای زیبایی شناختی است. اتمسفر فضا یک حالت شهودی، که با حضور یافتن در آن درک می شود. حس و حال ویا اتمسفر را از طریق ادراک حسی مان دریافت می کنیم، شکلی از دریافت که به طور شگفت انگیزی سریع عمل می کند. راهی که زومتر رفته برای اتمسفر خاص ساختمانهایش پاسخ هایی است به شرح ۱. بدن معماری: حضور مادی چیزها در معماری و چارچوب آن ۲. همسازی مواد: قرابتی حیاتی میان مواد ۳. صدای فضا: ساختمان به مکانی ساکت تبدیل شود ۴. دمای فضا ۵. ابژه های اطراف: چیزها با مراقبت و به نحوی دوست داشتنی در کنار هم گردآوری شده اند و رابطه ای عمیق میان آنها ایجاد شده است ۶. میان آرامش و فریب: به طراحی محیط حضور و هدایت وابسته است ۷. کشمکش میان داخل و خارج: معماری ذره ای از جهان را از آن خود می کند و از آن جعبه کوچکی می سازد و ناگهان دو چیز خلق می شود: فضای داخلی و خارجی ۸. سلسله مراتب صمیمیت: به دوری و نزدیکی مربوط است ۹. تابش نور روی چیزها: به نحوی نور وارد فضا شود که تاریکی را بشکافد، گویی نور توده ای جدید است که به فضا رسوخ می کند (zumthor, peter, 1394)

کیفیت زندگی

کیفیت زندگی از طرف سازمان جهانی بهداشت بدین صورت زیر تعریف کرده است: (ادراک فردی از شرایط زندگی شان در ارتباط با فرهنگ و سیستم ارزشی که در آن زندگی کرده و در ارتباط با اهداف، انتظارات، استانداردها و توجهات آن ها است).

شاخص های کیفیت زندگی

یکی از عوامل مهم در رتبه بندی شهرها، شاخص کیفیت زندگی می باشد. شاخص های مربوط به کیفیت زندگی طیف وسیعی را در بر می گیرند که از تغذیه و پوشاک گرفته تا مراقبت های بهداشتی، محیط اجتماعی و محیط مادی پیرامون را شامل می شود. اگر چه کیفیت زندگی در بعضی از منابع به سطح زندگی ترجمه شده است اما سطح زندگی و پیشرفت مادی تنها یکی از پایه های کیفیت زندگی را شامل می شود. در واقع مفهوم کیفیت زندگی یک متغیر مرکب می باشد که متأثر از چندین متغیر مستقل و وابسته می باشد. تغییر در سطح درآمد مردم، شرایط زندگی، وضع سلامت، محیط، مسائل روحی - روانی، فراغت، شادمانی خانوادگی، روابط اجتماعی و چندین متغیر دیگر نظیر آن به شکل مرکب کیفیت زندگی و تغییرات آن را تعیین می کنند. بررسی شاخص های کیفیت زندگی در سال های اخیر در روند مطالعات برنامه ریزی به چند دلیل رواج یافته و حائز اهمیت است: اول این که استفاده از این شاخص ها، امکان مداخله و اثرگذاری مدیریت های محلی را بر سطوح عمیق زندگی شهری فراهم می کند، دومین دلیل اهمیت این شاخص ها، ارتباط آن ها با کالبد شهر است، نظیر دسترسی به فضای سبز و طبیعت در شهر به طور مستقیم وجه کالبدی داشته و کاملاً تحت تاثیر سیاست های شهری و طرح های توسعه کالبدی قرار دارند، دلیل دیگر توجه به این شاخص ها، اثرگذاری تمایزات کیفیت زندگی در محلات در بازتولید نابرابری ها در جامعه است (حوزه معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، ۴۸۳۱، ۳۵). در طی سال های اخیر دو دیدگاه در مورد کیفیت زندگی وجود داشته است: مکتب عینی و مکتب ذهنی. در مکتب اول کیفیت زندگی به عنوان بخش عینی زندگی که شامل غذا، سرپناه، شرایط محیطی و نظایر آن است، شناخته می شود. در مکتب دوم کیفیت زندگی به عنوان بخش ذهنی زندگی مورد توجه قرار می گیرد که توسط نگرش ها و احساسات انسان معین می شود.

فضای شهری

نخستین تجربه های نا آگاهانه ما از فضای زیست طبیعی و ساخته شده و نقش آن ها در فهم شهودی عالم و رسوب شان در وجود آدمی به مثابه مبنای سنجش است. باید فضاهایی که در آن زیسته ایم به یاد آوریم و از خود بپرسیم چه چیز آن فضا ما و احساس ما را تحت تاثیر قرار داده است. در صورت یافتن آن هیچ چیز از آن موثق تر نیست. "تجربه کردن عینی معماری یعنی لمس کردن، دیدن، شنیدن و بوییدن کالبد آن" (زومتر) حس و حال فضا را از طریق ادراکات حسی مان دریافت می کنیم، شکلی از دریافت که به طور شگفت انگیزی سریع عمل می کند، چیزی که ما انسان ها برای زنده ماندن مان آشکارا به آن احتیاج داریم.



فضای باز موجود در محیط پیرامون خود که از نظر قانونی شهر باشد را فضای شهری می گویند. هرچه شناخت فضای شهری قویتر باشد تحلیل فضای شهری دقیقتر است. تعاریف رایج و متداول از شهر، نظیر تعریف ویرث از شهر: شهر می تواند به مثابه محصول سه فرایند اساسی تلقی شود - فرایندی زیست شناختی، فرایندی اقتصادی و فرایندی فرهنگی که در پهنه شهری عمل می کنند تا گروه ها و رفتارهایی متمایز از پیرامون روستایی به وجود آورند (ویرث، ۱۹۲۵، در فکوهی، ۱۳۸۳، ص ۳۸). در این وضعیت ما در عمل با اشکالی به نام شهر مواجه هستیم که به سادگی نمی توان آنها را نقطه ای در مقابل روستا قرار داد، بلکه شاید گاهی حتی بتوان آنها را روستاهایی پرجمعیت با فرم و ریخت ظاهری شهرگونه ولی پویایی های درونی کاملاً ترکیبی از اشکال زندگی روستایی به حساب آورد. اجتماعات میلیونی که شاید مهم ترین ویژگی بارز فرهنگی - اجتماعی آنها این باشد که اشکال فرهنگی ترکیبی متعددی را در خود جای داده اند که حاصل ترکیب هایی از فرهنگ های مختلف سنتی، روستایی و قومی با مدرن، شهری و غربی هستند. اشکال متعدد ترکیبی و درهم آمیخته از الگوهای مختلفی که همگی یکباره با برهم ریختن الگوهای مختلف سنتی، قومی، قدیمی، جدید، دریافتی و وارداتی و ... شکل گرفته اند و نقطه بروز همگی آنها در شهرها بوده است. اشکالی خلق الساعه که هیچ یک به سادگی و بدون پویه شناسی از درون، قابل درک و فهمیدن نیستند. بدین ترتیب با نگاهی ریزبینانه در این وضعیت ما عملاً با پیوستاری از مجموعه های مکانی پرجمعیتی مواجه هستیم که هیچ نام قبلی را مطابق تعاریف رایج بر آنها نمی توان نهاد. در این گونه اجتماعات حضور انسان شناسان نه به مثابه برنامه ریزان و سیاست گذاران بلکه بیشتر به عنوان تفسیرگران، تحلیل گران و شناسندگان، به عنوان پیش نیاز برنامه ریزی های کاربردی تر ضروری می نماید. در این وضعیت به نظر می رسد کاری که انسان شناسان می توانند انجام دهند آن است که همچون همیشه با توصیف و تشریح زندگی مردم در واقعیت های متنوع موقعیت های تجربه شده، آن واقعیت ها و موقعیت ها را در چارچوب های گسترده تر مکانی و زمانی تحلیل کنند (ساوت هال ۱۹۷۳، ص ۳-۴، در فکوهی، ۱۳۸۳، ص ۳۶)

کیفیت فضاهای شهری

پس از طرح مقدمات فوق می توان به نظریات سه گانه در مورد حالت وجودی کیفیت در فضاهای شهری رسید: تلقی کیفیت طراحی شهری به مثابه کیفیت و صفتی که ذاتی محیط کالبدی بوده و به شکل مستقل از ناظر وجود دارد. اینان کیفیت طراحی شهری را ماهیتی متعلق به محیط و به طور مشخص نسبت به فرم می دانند. برای مثال آلدوروسی در کتاب «معماری شهر» بر این عقیده است که: «فرم ها به صورت ذاتی کیفیت هایی هستند که بی زمانند و قادرند با پذیرفتن عملکردهای گوناگون در عصرهای مختلف تداوم تاریخی بیابند». از جمله صاحب نظرانی که کیفیت فضاهای شهری را تابعی از کیفیت الگوهای محیط می دانند باید به کریستفر الکساندر اشاره نمود. گرچه الکساندر نظریات مفصلی در مورد طراحی شهری عنوان کرده و راهکارهای مشخصی را برای اعتلاء کیفیت محیطی پیشنهاد و تجویز می نماید، با این حال وی اساساً ارائه تعریف از کیفیت را ناممکن نمی داند. الکساندر برای اشاره به چنین کیفیتی، که به گفته او در ریشه و بنیان هر شیء مطلوبی بوده و به آن سرزندگی، کلیت و راحتی می بخشد، از اصطلاح کیفیت بدون نام استفاده می کند. چرا که اعتقاد دارد چنین کیفیتی را نمی توان تعریف و نامگذاری نمود. تلقی کیفیت به مثابه مقوله ای که کاملاً ذهنی بوده، سلیقه هایی که توسط ناظر ساخته شده، هیچ گونه ربطی با ساختار و خصوصیات محیط کالبدی ندارد. نظریه پردازان دهه ۶۰ میلادی را که عمدتاً از خارج از انضباط های معماری و طراحی شهری به مسائل و معضلات شهری می پرداختند را می توان در این گروه طبقه بندی نمود. تلقی کیفیت به مثابه پدیدار یا رویدادی که در جریان داد و ستد میان خصوصیات کالبدی و محسوس محیط از یک سو و الگوها و رمزهای فرهنگی و توانایی های ذهنی فرد ناظر از سوی دیگر شکل می گیرد. نظریه پردازان تجربه گرای طراحی شهری همچون لینچ، آپلیارد، لنگ و نسر را می توان مهمترین حامیان اینگونه تلقی مفهوم کیفیت دانست.

نظریات فارابی و ابن خلدون در مورد شهر

فارابی در مطالعه و بررسی مباحث فکری از دو روش تصاعدی و تنازلی بهره گرفته است. او معمولاً در مباحث مابعدالطبیعه و الهیات، روش دوم، و در مسائل انسانی و اجتماعی بشر، روش اول را به کار می برد. وی در نظر به اجتماعات از فرد شروع و به خانواده، کوی، محله، ده، مدینه، امت و در نهایت به دولت جهانی می رسد. در ماهیت و ضرورت علم مدنی فارابی از همین



روش تصاعدی بهره می گیرد. علم مدنی با تشریح غایات این افعال، بیان می کند که چه ملکاتی برای انسان شایسته است و از چه راه می توان زمینه ی پذیرا شدن این ملکات را در انسان فراهم آورد تا به گونه ای شایسته در وجود آدمی پایدار گردند (مهارجرنیا، ۱۳۸۰: ۱۷۶-۱۶۷) آنچنان که در کتاب اندیشه های اهل مدینه ی فاضله می گوید: " خیر افضل و کمال نهایی نخست بوسیله ی اجتماع مدنی حاصل آید و نه اجتماعی که کمتر و ناقص تر از آن بود (فارابی، ترجمه ی سجادی، ۱۳۶۱: ۲۳۵). او میان اجتماع انسانی و حیوانی تفاوت قائل بود بدین ترتیب که اجتماع حیوان را از روی فطرت و غریزه و بدون توجه به هدف و غایتی معقول انجام می گیرد در صورتیکه اجتماع انسان از روی فطرت و غریزه ی حیوانی با توجه به هدف و غایت عقلانی و بالاخره آشنایی به فضائل و کمالاتی که شایسته و زینده انسان عاقل و خردمند است و وصول و نیل به آن که در واقع سعادت و خوشبختی دنیوی در حیات و زندگی دنیا و سرانجام وصول به سعادت نهایی و ابدی در زندگی و حیات جهان دیگر یعنی آخرت می باشد (هاشمی، ۱۳۵۱: ۲۱۹) فارابی در بسیاری از آثار سیاسی خویش، اجتماع را از حیث وظیفه و کارکرد به بدن انسان تشبیه می کند و بر این اعتقاد است که اجتماع مدنی، همانند بدنی تندرست و با اعضای سالم است که همه ی اعضایش برای تمامیت و حفظ حیات موجود زنده، تعاون دارند. افراد در عین داشتن نقش و اراده ی فردی، در جامعه با هم ارتباط دارند به همین دلیل که در « آراء اهل مدینه ی فاضله » بیان می کند که " اجزای اجتماع مدنی با هم ائتلاف و انتظام و ارتباط جمعی دارند. " او در نظام مدینه ی فاضله دیدگاهی کارکردی دارد و اینگونه می گوید: " و مدینه ی فاضله به مانند بدنی بود تام الاعضا و تندرست و به مانند آن گونه بدنی بود که همه ی اعضای آن در راه تمامیت و ادامه ی زندگی حیوانی و حفظ آن تعاون کنند" (فارابی، ترجمه ی سجادی، ۱۳۶۱: ۲۵۶).

اندیشه ی شهری و اجتماعی ابن خلدون:

ابن خلدون نیز با نگرشی تحولی سیر حرکتی جوامع انسانی را از ابتدایی ترین مراحل زندگی و بادیه نشینی تا اوج تمدن شهری مورد کاوش قرار می دهد. ا ز دیدگاه وی عمران بشری در مراحل مختلف از پیدایش تا توسعه و تکامل دو شکل بادیه نشینی و شهر نشینی را به خود می گیرد. به نظر ابن خلدون اجتماع ساده و بسیط بادیه نشینی در اثر همبستگی و تلاش گروهی وضعیت خویش را بهبود می بخشد و جهت تأمین آسایش و رفاه به سوی شهر روی می آورد. زندگی پیچیده ی شهری با مشاغل متنوع و تعدد در ابزار و وسایل مورد نیاز جهت برآورده شدن نیازهای تجملی، تمایز خاصی را به اجتماع شهری می دهد. ابن خلدون اجتماعی شدن انسان را فطری می داند و نیازهای نامحدود انسان و توانایی های محدود او را در تأمین غذا و دفاع از خود، دلیل ادعای خود بر می شمرد. وی معتقد است راهی را که فطرت برای برآورد نیازها پیش روی انسان گذاشته، تعاون بایکدیگر در اجتماع است. مفهوم اساسی در فلسفه ی اجتماعی و تحلیل انسانشناختی ابن خلدون مفهوم «عصبیت» است که باید آن را به قومیت و پایه و اساس آنچه بعدها «ملیت» نام گرفت نزدیک کرد. عصبیت به باور ابن خلدون، پدیده ای است تا اندازه ای نژادی که با ساختار خویشاوندی و همچنین با نوع زندگی خاص بادیه نشینی ارتباط دارد و سبب انسجام یافتن درونی و همبستگی میان اعضای جامعه و ضربه ناپذیری آن است (فکوهی، ۱۳۸۱: ۷۸-۷۷). او برای مطالعه ی انسان و اجتماع علمی را موسوم به علم اجتماع بنیان نهاد تا بدین ترتیب چهار چوب نظری را برای مطالعه ی تحولات و تغییرات اجتماعی ایجاد کند. او موضوع این علم را عمران بشری و اجتماع انسانی به طور کلی می داند. ابن خلدون مسائل علم عمران را اموری می داند که از ذات و ماهیت اجتماع بشری منشأ گرفته است. او خصوصیات عام اجتماع بشری همچون همزیستی، عصبیت، دولت و اقتصاد را کیفیات و حالاتی می داند که به طور طبیعی بر اجتماع عارض می گردد و این در ابواب شش گانه ی کتاب مقدمه ی وی مشخص شده است. هدف علم عمران بررسی امور اجتماعی و تاریخی جهت کشف علل واقعی آنهاست. لذا این علم نه چون خطابه هدف اقناع مردم را دارد و نه چون علم مدنی می خواهد جامعه را بر اساس حکمت و اخلاق اداره نماید بلکه هدفش درک علل تحولات تاریخی و اجتماعی و همچنین ساخت کلی اجتماع فارغ از قضاوتهای ارزشی و ملاحظات اخلاقی است و به همین دلیل است که علم نوین جامعه شناسی تا حد زیادی مرهون آراء و اندیشه های وی است (خوشرو، غلامعلی. شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن خلدون: ۸۷-۸۱) ابن خلدون بر این عقیده بود که جامعه ی انسانی بر

اثر عوامل متعددی تغییر می کند که مهمترین آنها عبارتند از: تأثیر پذیری از محیط‌روحیات و خلقیات، علایق و تمایلات افراد و کنش و واکنش اجتماعی تغییر و تحول از درون جامعه که نمونه‌ی آن را تبدیل بادیه نشینی به شهر نشینی و تأسیس دولت جدید و تحولات آن می داند. از این رو باید دیدگاه ابن خلدون در مورد دولت را یکی از بخشهای نظریه‌ی اجتماعی او بدانیم، نه نظریه‌ی مستقل (آزاد ارمکی، از فارابی تا ابن خلدون: ۲۸۳-۲۸۲)

شرایط مناسب یک شهر به عقیده‌ی ابن خلدون عبارتند از:

جمعیت: جمعیت شهر نباید آنقدر کم باشد که موجب راکد ماندن هوا و نتیجتاً فساد آن شود و نه آنقدر زیاد باشد که در اثر رطوبات فاسده و مواد گندیده موجب آلودگی شهر باید در جایی بنا شود که هوایش معتدل باشد. از چراگاههای سرسبز برخوردار باشد. زمینهای حاصلخیز برای کشاورزی در اطراف آن کافی باشد. در بنای شهر موقعیت دفاعی آن منظور گردد، یادر بالای کوهها ساخته شود یادر کنار دریاها و یا محصور در رودهای بزرگ. بهتر است شهر در کنار جنگل‌ها باشد تا علاوه بر لطیف بودن هوا از چوب درختان برای خانه سازی استفاده شود. لازم است شهر نزدیک دریا باشد تا در واردات و صادرات و تجارت اهالی شهر را کمک نماید (رادمنش، ۱۱۱-۱۱۰)

تأثیر محیط بر رفتار از دیدگاه فیلسوف مسلمان ابن خلدون

اقلیم و اخلاق در تعالیم جامعه شناس مسلمان، ابن خلدون در راستای طراحی محیطی (مباحث کالبدی) می توان نتیجه گرفت توجه به فاکتورهای خلقی هر اقلیم، می تواند از بعد هویت بخشی مادی و معنوی هر مکانی قابل استفاده باشد. از بعد مادی، سازگاری کالبدی و سازگاری رفتاری قابلیت هویتی کالبدی ویژه ای که زبان منطقه خواهد بود ایجاد می کند. از بعد معنوی، ایجاد شخصیتها، ذوقها و سلیقه های متنوع به تفاوت زبان طراحی می انجامد. می توان فضاهای طراحی کرد متناسب با اقلیم و فرهنگ بومی منطقه که متناسب با خلق و خو و منش ساکنین بوده و حس نزدیکی و آمیختن انسان با فضا را القا کند.

کیفیت مناسب طراحی شهری از نظر "کوبین لینچ"

"کوبین لینچ" با انتشار تئوری شکل خوب شهر در سال ۱۹۸۱ میلادی حصول کیفیت مناسب طراحی شهری و به تبع آن ارتقاء کیفیت زندگی شهری را در گرو پنج معیار و دو معیار زیر اعلان می دارد:

- ۱- "سرزندگی" به مفهوم امکان بقای زیست شناختی و جامعه شناختی انسان در محیط شهر
 - ۲- "معنی" (حس) به مفهوم نقش انگیزی ذهنی و معنادار بودن مکان های شهری
 - ۳- "سازگاری" به مفهوم انطباق فرم شهری با فعالیت های گوناگون و مدارهای رفتاری
 - ۴- دسترسی: به مفهوم سهولت "نفوذ فیزیکی" به بخش های مختلف بافت شهری
 - ۵- "کنترل و نظارت" به مفهوم فراهم بودن امکان انتخاب و مداخله
- از دیگر صاحب نظرانی که در مورد کیفیات مطلوب طراحی شهری به ویژه از نظر مقیاس خرد فضایی پیشنهادهای ارائه داده است می توان به "ویولینچ" اشاره کرد. وی طی مقاله ای تحت عنوان "قرائت شهری و طراحی مکانهای شهری کوچک" در سال ۱۹۸۳ میلادی؛ کیفیت مطلوبی که در طراحی شهری می بایست هدف گیری گردد را به این ترتیب فهرست می کند:

- ۱- قرائت پذیری "محیط"
 - ۲- "آزادی انتخاب"
 - ۳- ایجاد انگیزش از طریق کاربرد "فرم های شهری متباین"
 - ۴- امکان "زندگی اجتماعی" در مقابل زندگی خصوصی
 - ۵- به گوش رسیدن "آوای گذشته" به مفهوم قابل قرائت بودن میراث های فرهنگی
 - ۶- لحاظ نمودن "پیوندهای بومی" منطقه ایی" در قالب طرح ها
- یکی از مشهورترین مجموعه کیفیت های طراحی شهری که توسط اهل فن ارائه شده است مجموعه پیشنهادی گروه مطالعاتی "مرکز مشترک طراحی شهری پلی تکنیک آکسفورد" است. مجموعه مزبور که توسط "یان بنتلی" و همکارانش در کتابی تحت



عنوان "محیط های پاسخده" تدوین و ارائه شده است. گرچه از عمق تئوریک قابل ملاحظه ای برخوردار نیست؛ لیکن به واسطه جامعیت نسبی و سهولت فهم و شیوه جذاب در ارائه و تصویر برداری به یکی از مراجع مهم مورد استفاده محافل حرفه ای بدل شده است. این مجموعه دارای هفت معیار بود که ادامه اصلاح شد و سه مورد دیگر به آن اضافه گردید :

- ۱_ "نفوذپذیری" به مفهوم تامین دسترسی (ارتباط فیزیکی) و ارتباط بصری با نقاط مختلف
- ۲_ "تنوع" به مفهوم حضور تنوع عملکردی تنوع فرم ها و تنوع اشخاص و گروه های اجتماعی در مکان های شهری
- ۳_ "خوانایی" به مفهوم قابلیت قرائت سهل محیط و راهیابی آسان به نقاط و نشانی های مورد نظر
- ۴_ "انعطاف پذیری" به مفهوم توانایی و قدرت فضا در پذیرفتن عملکردها و ماوا دادن فعالیت های گوناگون خود
- ۵_ "سازگاری بصری" به مفهوم متناسب بودن خصوصیت بصری محیط با عملکرد و معنی محیط مزبور
- ۶_ "غنا" به مفهوم توجه به ظرافت و ریزه کاری در محرک های حسی مختلف (ونه صرفا محرک های بصری)
- ۷_ "قابلیت شخصی سازی" به این مفهوم که ساکنین و شهروندان قادر باشند به طریقی "مهر خود را بر فضای شهر بزنند"

و به گونه ای آن را متعلق به خود و شخصی نمایند.

سه معیار اصلاح و اضافه شده :

- ۱_ کارایی از نظر مصرف انرژی
- ۲_ پاکیزگی (به حداقل رساندن آلودگی های هوا و ...)
- ۳_ حمایت و پشتیبانی از طبیعت و حیات وحش (نگهداری از اکوسیستم ها)

معیارهای یک طراحی شهری "خوب" از نظر جیکوبز

از نظر جیکوبز مهمترین معیارهای یک طراحی شهری "خوب" عبارتند از :

- ۱_ ملحوظ داشتن فعالیت های مناسب پیش از توجه به نظم بصری محیط
- ۲_ استفاده از کاربری مختلط چه به لحاظ نوع استفاده و چه از نظر حضور ابنیه با سن های مختلف در یک ناحیه
- ۳_ توجه به عنصر خیابان
- ۴_ نفوذپذیر بودن (قابل دسترسی بودن) بافت که به مفهوم پیشنهاد استفاده از بلوک های کوچکتر شهری است
- ۵_ اختلاط اجتماعی و انعطاف پذیر بودن فضاها

بهشت اجتماعی

بردگی آدمی نسبت به محیط مصنوع روز به روز بیشتر می شود. اکنون انسان در شهرهایش از امنیتی کمتر از مناطق خارج شهری برخوردار است. او از آزادی قدم زدن در خیابان ها و نشستن در میداین شهر خود محروم و برای گریز از سروصدای خیابان ها به زندگی در پشت پنجره های بسته مجبور گردیده است. اجبار، محدودیت و فقدان امنیت انسان را واداشته تا بین عزلت گزینی در داخل محدوده شهر و گریز همیشگی از آن یکی را انتخاب کند. لذا آدمی نه به علت تهدیدات بیگانه و بیرونی بلکه از فجایعی درونی که خود آفریده از شهر می گریزد. اکثر ساکنان ما در شهرها در فرارهای گهگاهشان ناخودآگاهانه به خلوتی دور از شهر مدرن و نظام خشک آن و دور از ازدحام سرسام آور جمعیت و آلودگی های محیطی کشانده می شوند. برخی در اشتیاق هوای تازه و محیط پاکیزه و خلوت به دامان طبیعت پناه می برند و دیگران روستاها، اماکن تاریخی و شهرهای کوچک و کم تراکم را بر می گزینند. آنچه آنان را برای گذران اوقات فراغت به این اماکن طبیعی یا غیرمدرن می کشاند ناشی از خواسته نهفته در ضمیرشان یعنی از نیاز انسان به استقرار در فرآیند طبیعت و نظام ارگانیک است. این درخواست در واقع ریشه در تمایلی معنوی دارد که به سوی پردیس یا باغ بهشت پر می کشد. در این مورد طبیعت به شکل باغی در داخل عمارت و شهر تاریخی یا سنتی به صورت عماراتی در داخل باغ ظاهر می گردند. اولی خانه طبیعت است و دومی خانه آدمی. هر دو اینها اماکنی هستند که سکونت تن و روان را فراهم می آورند از این رو هرگونه گریز به طبیعت یا اماکن دارای مقیاس انسانی پاسخی است منطقی و زیست شناختی که از این نیاز مشروع سرچشمه می گیرد. افسوس که این



گریز کوتاه مدت است و به زودی جذابیت کاذب شهر مدرن سکنه یا زندانیان شهری را به بازگشت به سلول های تحت کارکرد ماشین فرا می خواند. (پاراحمدی، ۷۸)

کیفیت زندگی شهروندان باید امکان تعالی ایشان را در ابعاد فردی و اجتماعی فراهم کند که این امر تأکیدی بر توجه بیشتر به مولفه های دینی و فرهنگی و نیاز انسان به استقرار در فرآیند طبیعت و نظام ارگانیک همگام با مولفه های اقتصادی و معیشتی است.

شهر اشکالی ملهم از جلوه های گوناگون طبیعت

شهرنشینی همراه با گسترش سریع، فزاینده و همه گیر خود در سراسر جهان همه جوانب زندگی انسانی و همچنین سایر سازمان های حیات انسانی از جمله سازمان اقتصادی، سیاسی، آموزشی، فرهنگی و فضایی، مذهبی، همچنین ارتباطات به طور کلی شیوه های زندگی را به گونه ای بی سابقه و در موازات با یکدیگر تحت تاثیر قرار داده و متحول کرده است؛ در عین حال که خود تصاویری از بیگانگی، تشویش و خطر را نیز موجب شده است. لذا "شهر" به عنوان یک واقعیت اثرگذار و غیرقابل انکار به شیوه جدی تری در قیاس با گذشته خود را به غالب حوزه های مطالعاتی که به بررسی موضوع های انسانی می پردازند، تحمیل کرده است. اینجا در کشاکش با طبیعت، انسان مجال می یابد تا به جزیی لاینفک از نیروهای خیر طبیعی تبدیل گردد. در خلال این فرآیند است که او بر وجود خویشتن و به مفهوم طبیعت وقوف یافته از طریق این آگاهی به معنای جهان دست می یابد. او پی می برد که مأموریت بزرگش نه در تسخیر جابرا نه زمین را که در همگامی خردمندانه و سرشار از عشق با آن برای پیشبرد خواست الهی و مقاصد انسانی خودش خلاصه می شود. پس می کوشد تا با نیروهای شر و قاهر طبیعت به پیکار برخیزد و بدین منظور محیط مصنوع را برپا می دارد. او پایگاههای خود را با احترام به نیروهای خیر طبیعت و در ارتباط مستقیم با آنها پیا می دارد و ساختارهای خود را به اشکالی ملهم از جلوه های گوناگون طبیعت زینت می بخشد. در نتیجه با گردآوری تمام پدیده های مثبت و نیک طبیعت پایگاه یا "آبادی" خود را به "ذره گیتی" یا نمونه کوچک یا نمونه کوچک کائنات یعنی مکانی که نیازهای جسمانی، روانی و عرفانی او را به طور یکسان برآورده می سازد، بدل می نماید. در این مضمون است که محیط مصنوع، جای خود را به محیط ساخته انسان می سپارد. اصطلاح انسانگرا در بررسی ما با توجه به مطلب اخیر و برای معرفی شکل طبیعی و آرمانی شهر به کار گرفته شده است. لذا از تعبیر بشر دوستانه و متداول آن که انسان را مخلوقی معصوم و بی خبر به تصور می آورند فاصله می گیرد. از سوی دیگر شهر انسانگرا به جای دل بستگی به روش های صرفاً فنی و علمی طراحی که برای رفع مشکلات شهری ارائه می شوند چشم امید به بازیابی برخی احساسات فراموش شده انسانی دوخته است. از آنجا که ادبار شهر ناشی از ادبار انسان است پس اقبال آن نیز از اقبال انسان ناشی خواهد شد. از شناخت فضای شهری به تحلیل فضای شهری می رسیم تا به طراحی فضاهای شهری برسیم. شناخت قوی منجر به تحلیل قوی و تحلیل قوی منجر به طراحی قوی می شود. رابطه میان عناصر تشکیل دهنده فضای شهری باید برای فرد ناظر قابل ادراک بوده و فرد بتواند از رابطه موجود، ساختاری در ذهن خود ایجاد کند. به این ترتیب فضای شهری هدفمند بوده و بستر رویدادهای تعریف شده ای خواهد شد. فضای شهری به مثابه یکی از ارکان اصلی ساخت کالبدی شهر دارای مفهومی عام و اجتماعی است. فضای شهری فضایی است که به همه مردم اجازه می دهد به آن دسترسی داشته باشند و در آن فعالیت کنند. در این فضا فرصت آن وجود دارد که برخوردهای از پیش تدوین نشده به وقوع بپیوندند و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم اختلاط کنند. بنابراین شرط اساسی برای این که یک فضای عمومی، فضای شهری باشد برقراری تعاملات اجتماعی در آن است. "جین جیکوبز" در سال ۱۹۶۱ میلادی با انتشار کتاب کلاسیک خود تحت عنوان "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا" به عنوان یک جامعه شناس به تحلیل و اظهار نظر در مورد تاثیر خصوصیات کالبدی محیط شهری و به ویژه خیابان ها در تسهیل و یا ممانعت از مراودات اجتماعی و سرزندگی و امنیت شهری می پردازد.

بررسی فضاهای شهری

بررسی فضاهای شهری از جنبه های گوناگون مقوله ای بوده که بویژه امروزه بیش از گذشته مورد توجه محققین و اندیشمندان در حوزه های مختلف علمی قرار گرفته است. شهر دارای ابعاد مختلف فیزیکی و فرهنگی - اجتماعی است و



شهروندان یک شهر در کنار زندگی زیستی از زندگی اجتماعی و فرهنگی برخوردارند و از خلال ارتباطات خود، هویت اجتماعی مشخصی را کسب می کنند. در واقع شهر مقوله ای پیچیده و چند گانه است و همواره موضوعات متعددی را جهت مطالعه و بررسی در دل خود جای داده است. شهر نوعی سازمان یافتگی اجتماعی در فضا است که باید آن را تولید کننده دائم فرهنگ و بهترین بستر برای فرهنگ سازی به حساب آورد. شهروندان یک شهر زندگی اجتماعی و فرهنگی دارند. اجتماعی از این نظر که به شیوه های گوناگون و پیچیده با دیگران و با جامعه پیوند دارند و فرهنگی از این لحاظ که آنچه می شوند نتیجه غریزه نبوده بلکه نتیجه عقاید ارزش ها و قواعدی است که در جامعه وجود دارد. رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و شکل گیری مقیاس-های جدیدی از شهرها در طی چند دهه اخیر موجب شده است که شهر و شهرنشینی با چالش های نوینی مواجه گردد. به دلیل گستردگی ابعاد و تغییر در ماهیت مسائل شهری و پیچیدگی آنها، نگاهی کل نگر و توجه به ابعاد و جنبه های مختلف مسائل شهری به منظور نیل به توسعه پایدار، امری اجتناب ناپذیر می نماید.

پیامدهای توسعه شهری و پیچیدگی شهری معضلات زیست محیطی امروزی که بسیاری از جوامع شهری را درگیر نموده از سوی دیگر در دنیای کنونی ما به ویژه در کلانشهرها، انباشت بیش از جمعیت، به ویژه ابر شهرگرایی، محدودیت امکانات تفریحی، فشارهای حاصل از کار روزانه و مشکلات تامین هزینه های زندگی، آثار نامطلوبی در حیات سالم و فعالیت های اجتماعی و فرهنگی و رفاهی شهرنشینان بر جای می گذارد، دگرگونی های این عوامل نامطلوب، انکار پذیر می شود. بنابراین "فراهم نمودن خدمات مرتبط با حفظ و صیانت از مهم ترین بخش های مورد توجه در مدیریت شهری می باشد" (lindholst,2008:77)

امروزه، متاسفانه طبیعت، بکری و تاثیر گذاری عظیم سابق خود را از دست داده است و انسان ها هم کمتر موفق به درک طبیعت شده اند. بنابراین نقش معماری معاصر این است که مکان های معماری در اختیار مردم قرار دهد که مردم در آن جا حس حضور طبیعت را درک کنند معماری در این مسیر، طبیعت را از طریق انتزاع شکل می دهد و معنای آن را عوض می کند. وقتی عناصری هم چون، آب، باد، نور، باران و سایر عناصر طبیعی به عرصه معماری تزریق می شوند، معماری به مکانی تبدیل می شود که در آن افراد و طبیعت تحت شرایط کم تنش تری همدیگر را ملاقات می کنند. پیگیری اهداف معماری یعنی مسئولیتی در کشف و فهم ویژگی های رسمی مکان، در کنار آئین و سنن فرهنگی، اقلیم، و ویژگی های محیطی و طبیعی، ساختار شهری حاکم بر بافت آن و الگوهای زندگی و آیین و مراسم کهنی که افراد به آینده انتقال می دهند. معماری می تواند قلمروی فن آوری صنعتی را از میان ببرد و به هنری متعالی در محض ترین معنای آن بدل شود (نظریه های معماری و بیانیه های معاصر صفحات ۷۵-۷۶).

روابط اجتماعی و کیفیت محیطی

رابطه ی تعاملی انسان با فضا می تواند یک رابطه ی فرهنگی ایجاد کند، این ارتباط فرهنگی الگوهای رفتاری را تعیین می کند که بیانگر چگونگی استفاده ی مردم از فضاها هستند. تحلیل و سنجش کیفیت محیطی یک محله شهری، به طیف گسترده ای از معیارها و شاخصها نیاز دارد. در گذشته های دور محلات شهری، مکان تعاملات و زندگی اجتماعی ساکنین آنها بوده و بستر مناسبی را برای زندگی اجتماعی افراد ایجاد می کرد. با این وجود، همزمان با گسترش زندگی مدرن شهری، مردم از مکان زندگی، محله مسکونی و اجتماعات محله خود دور شده و تعلق خاطر به محدوده زندگی و بالطبع مسوولیت پذیری محلی ساکنین شهرهای بزرگ که خود ضامن «سرمایه اجتماعی» محلات است، از میان می رود. در قرن اخیر، شهرها، محلات مسکونی و فضاهای شهری در سیر تحول و فرآیند تکوین خود و تحولات و جریانات ناشی از اندیشه جهانی شدن پدیده ها، دستخوش تغییرات و دگرگونی های شگرفی شده اند. در این جریان، ارتباط میان انسان و محیط زندگی او دچار گسست عظیمی شده و شکاف موجود مقدمه جدایی مکانی و شکل گیری فضای اجتماعی عاری از پیوستگی های اجتماعی را ایجاد کرده است. تحقیقات و پژوهش های صورت پذیرفته نمایانگر این واقعیت است که میان روابط اجتماعی موجود در سطح محلات شهری و ویژگی های محیطی یا به عبارتی ساختار فضایی و کالبدی محلات، رابطه تنگاتنگی وجود دارد.

فضاهای شهری موفق

فضایی که دارای فضاهای خارجی جذاب و موفق است. موفقیت قلمرو عمومی بستگی به نحوه چیدمان فضایی کف سازی، گیاهان، روشنایی، جهت گیری، سر پناه، علائم، مبلمان شهری و شیوه ی نظارت بر آن و نیز مسیرهایی که از آن عبور میکنند و کاربری های داخل اطراف آن دارد. اینکه فضای عمومی تا چه حد با آن خوب رفتار می کنند، بخشی بستگی به سازماندهی و مدیریت و سهولت نگهداری از آن دارد. یک مکان موفق نظام فضاهای باز دارد که به عناصر طبیعی در دسترس احترام می گذارند. فضاهای عمومی که خوب طراحی شده باشند به عنوان بخشی از شبکه ی مسیرهای پیاده عمل می کنند و به نیاز تمام کاربران از جمله معلولین و سالمندان پاسخ می دهند. درختان خیابان و نور پردازی آن می توانند نشانگر شخصیت و اهمیت نسبی و مطلوب هر مسیر باشند. استفاده از سرمایه های طبیعی مانند آب، کناره رود، شیب ها، درختان و سایر گیاهان می تواند به خلق فضاهای جذاب و تنوع زیست بوم محل کمک کند. فضاهای عمومی که خوب طراحی شده باشند با بناهای اطراف خود در ارتباط است. تامین مسیرهای مجزای دوچرخه یا پیاده تاحد امکان مستقیم بوده و قابل رویت باشد. از ایجاد مکان هایی که پیاده و دوچرخه در آن احساس عدم امنیت می کنند، جلوگیری میکنند. نورپردازی و کاشت گیاهان می تواند مراقبت و جنبه های ایمنی یک محل را کاهش داده یا تقویت کند. محیط جذاب و انسانگرا و راحت بودن. به کارگیری ماهرانه سطوح تراز مختلف ادغام کاربری ها زیستن مردم عادی در مرکز شهر و گاهی در بالا یا نزدیکی محل کار ثبات یا همگونی مصالح، وقوع انقلاب صنعتی و سیاسی در قرن هیجدهم پیشرفت حمل و نقل و ارتباطات در قرن نوزدهم راه را برای دگرگونی گسترده و بنیادین جوامع انسانی هموار ساختند. در نتیجه این دگرگونی، تمام ارکان زندگی که با فرآیندی تکاملی و تدریجی توسعه یافته بود دچار تغییر و تحول شد. بنابراین بیان ویژگی ها و اصول شهر انسانی در واکنش به بحران شهری که نتیجه مستقیم فرآیند صنعتی شدن می باشد و بررسی تاثیرات نامطلوب آن بر شهرها امری ضروری است. آسایش جسمی و روانی آدمی بر ارکان سه گانه آسایش، دسترسی به پناهگاه و مقاصد اجتماعی استوار است. انسان به مرکز و جهانی متعلق به خود نیاز دارد و ضرورت بودن با دیگران را در خود احساس می نماید. بدین ترتیب شهرها کاملترین اشکال ممکن آبدی انسانی اند. لذا بهبود بخشی به شرایط زندگی در آبادی های ساخته بشر هدف است. (یاراحمدی، ۱۳۷۸) شهر نه برای ایجاد سهولت در رفت و آمد اتومبیل ها بلکه برای حفاظت از آدمی و فرهنگ او برپا شده است. پس آنچه بدان نیازمندیم تغییری مبنایی در تمام ارکان زندگی است. واکنشی در مقابل فرهنگ انسان زدا و مصرف گرای کنونی. پژوهشی در راه اصالت و انقلابی در ذهن. ما در زمانه ای زندگی می کنیم که موجودیت و استعداد بازنمایی (هویت اصیل) آن به شدت به مخاطره افتاده است و این تبیین و توصیفی از معنای بحران هویت است. هویت همه ی ویژگی هایی است که هر موجودی را از دیگری متمایز می سازد. زمانی که فرد نتواند میان خود و دیگران تفاوت یابی کند دچار اختلال در سیستم شناختی خود می شود. مولفه هایی که هویت را می سازند از خصوصیات ظاهری تا اشکال اندیشه و تجربیات زیسته، به طور کلی جهان وسیعی را شامل می شوند. محیط زندگی و رابطه ی متقابلی که میان انسان و فضا وجود دارد مسئله ی مهمی در این رابطه است. از آنجا که اکثر جمعیت های انسانی امروزه در شهر ها ساکن هستند؛ پرداختن به هویت شهری بسیار حائز اهمیت است. امروزه در دنیا کلان شهرها دارای شاخصه ها و مفاهیم درون شهری هستند که هویت شهر را تعریف می کنند. بسیاری از کشورهای دنیا برای حفظ و ایجاد این مفاهیم تلاش زیادی انجام داده اند تا با ایجاد فضاهایی متناسب و باهویت، جایگاه خود را بیابند. از جمله کشور اسپانیا ساختمان موزه گوگنهایم که توسط معمار بزرگ فرانک گهری ساخته شده در شهر بیل بائو باعث نمود جهانی آن شهر و هم کشور اسپانیا شده است. تاثیر آن نیز بر کل ساختار اجتماعی و فرهنگی این شهر مشهود است.

نتیجه گیری

محیطهای شهری ذاتا در حال تغییر و تحول هستند که محیطهای پویا هستند نه ایستا لذا تغییرات باید در روند طراحی، ساخت و مدیریت در نظر گرفته شوند نمای ساختمان باید در مقیاس انسانی بوده و عملکرد خود را نشان دهد در این جا باید عملکرد ها و فعالیتها باهم ادغام شوند. مسایل مربوط به انرژی و محیط زیست در سطوح متناسب سازگاری ساختمانها با تغییرات شرایط و کاربری در ساخت باید به محل و مقیاس و مصالح و ساختمانهای مجاور و هزینه و دوام توجه کرد توجه به مبلمان



شهری و مصالح کفسازی خلق محیط پایدار با احساس مسئولیت در برابر آثار باستانی، ساختمان عمومی و مهم باید در محلی قرار بگیرند که مرکز محیط شهری را سازماندهی می کنند و ایجاد صحنه به یاد ماندنی به عنوان نشانه شهری داشته باشند. ساختمانها باید با فرم، رنگ و مصالح مردم را راهنمایی کنند که کجا هستند و برای دستیابی به مکانها و تسهیلات و امکانات مختلف می توانند کجا بروند. در ساخت و ساز باید با ترکیب رنگ و الگو تزئین بافت و مصالح و مهارت و نوآوری در فنون ساختمانهایی بسازیم که مردم لذت بخش باشد توجه به پشت بام و خط بام و خط آسمان، محیط شهری خوب باید خوانا باشد و به آسانی درک شود و مردم به راحتی به امکانات و تسهیلات دسترسی یابند. فضاهای عمومی این امکان را به مردم می دهد که نسل های مختلف با هم حضور داشته باشند. مردم با چیزها تعامل می کنند. می توان نام شور درونی بر آن گذاشت. واقعیت اعجاز خود را دارد. اعجاز در اندیشه نهفته است. شور اندیشه ای زیبا، خلق اتمسفر معماری توجه به فرایندها و علائق، ابزارها و اسباب ها جزیی از کل کار است. توجه به حس و حال ویا اتمسفر فضا واکنشی است برای مقابله با تکرار و کهنگی به طوری که فوراً احساسی به کمال متعادل در فضای ساخته شده به دست آید، هدف نهایی ساختن فضایی که برای مردم مامن، مکان خوب برای زندگی و آرامش خاطر فراهم نماید. خوانش هر فضا گره خورده به این امر است. امروزه بناهایی با اتمسفر فضا از ضروری ترین نیازهای روحی همه افراد جامعه به شمار میرود. اتمسفر مقوله ای شهودی و زیبایی شناختی است همانطور که زومتور گفته: "همه ما معماری را به طور حسی درک کرده ایم، فهم ما از معماری در تجربه های آغازین ما ریشه دارد ریشه های فهم ما از معماری در کودکی و جوانی ما قرار دارد" در طراحی این فضا خلق اتمسفر حسی - احساسی و تسخیر وجود تام انسان مورد توجه است، بن مایه هر طرح معماری موفق، بر مبنای احساس و شهود شکل می گیرد (زومتور، ۱۳۹۴، ۲۶) بناها می توانند سکوتی زیبا داشته باشند، سکوتی که آن را با مفاهیمی چون آرامش درونی، حضور و یکپارچگی، گرما و حس برانگیزی، تجلی ذات خود بودن و باز نمود چیزی نبودن (زومتور، ۱۳۹۴، ۴۱)، ایجاد حس و حال ویا همان اتمسفر فضا با عواملی مانند: آبه های اطراف منظور چیزی که همه ما درباره خودمان می دانیم، تایید می کند. در واقع بنا می تواند به نوعی نوستالژیک باشد و همچنین نوع حرکت در ساختمان و قطب های موجود در مکان نور و همسازی مواد باهم مد نظر قرار می گیرد. مکانهای مختلف برای افراد مختلف معانی متفاوتی دارد: نحوه چیدمان ساختمانها در محیط شهری باید به گونه ای باشد که برای همه قابل درک باشد: باید روح و ماهیت مکان یا ساختمان را با شیوه ای متناسب انتخاب کرده تا ایده ها و تصاویر مناسب نسبت به فرم فیزیکی، مصالح، رنگ، عناصر طراحی به دست آید. ساماندهی سیما و منظر شهری با تأکید بر هویت معماری ساماندهی فضاهای شهری از نظر کیفیتهای محیطی و انتظام بصری پاسخ گوئی به نیازهای روانی و عاطفی شهروندان باشد.

منابع

- محمودی نژاد، هادی، طراحی شهری از روان شناسی محیطی تا رفاه اجتماعی
زومتور پتر، اتمسفر، ترجمه علی اکبری، نشر پرهام نقش، ۱۳۹۴
- بهزادفر مصطفی، طهماسبی ارسلان، مقاله شناسایی و ارزیابی مولفه های تاثیر گذار بر تعاملات اجتماعی، باغ نظر، سال دهم، شماره ۲۵
- حمل و نقل و مناطق شهری و روستایی و کمیسیون معماری و محیط مصنوع بریتانیا، ترجمه ی گروه پژوهش و مهندسی مشاور
شارمند و سولماز حسینیون، ارتقا کیفیت محیط به کمک طراحی
- تیبالدز، فرانسیس؛ "شهرسازی شهروندگرا"؛ ترجمه محمد احمدی نژاد، نشر خاک، اصفهان ۱۳۸۱
- فکوهی، ناصر؛ "انسان شناسی شهری"؛ نشر نی اهران ۱۳۸۳
- یار احمدی، امیر؛ "بسوی شهرسازی انسانگرا"؛ شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران ۱۳۷۸
- پارسا پزوه، سپیده؛ مقاله "ما، شهرها و انسان شناسی"؛ فصلنامه اندیشه ایرانشهر، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۳
- عبدالله پور، مریم، کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و شاخص های سنجش آن، چهارمین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا
رسانی خوراسگانی، علی و کیانیپور، مسعود (۶۸۳۱) مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی (مطالعه موردی: شهر اصفهان
لنگ، جان: آفرینش نظریه معماری، ترجمه دکتر علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- الکساندر، کریستوفر: معماری و راز جاودانگی، ترجمه مهرداد قیومی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳.
- خوشرو، غلامعلی. شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن خلدون، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲.
- آزاد ارمکی، تقی. اندیشه ی اجتماعی متفکران مسلمان؛ از فارابی تا ابن خلدون، تهران، سروش، ۱۳۷۴

.Mought cliff urban desingn dimensions butter worth, 1996.

Fakoohe ,naser, urban Anthropologe ,Tehran, Ney publication.p. 208 (In persion), 2004

Scout .Allen Jan, City,Rivers of the world, Translation, pantea Lotfe Kazemy ,thran publication processing and
urban planning,

Oswald, Andrew J. (1997). "Happiness and Economic Performance", Economic Journal

Oxford Advanced Dictionary, 8th Edition, 2014

Edited by Charles jenks and Karl KropfTheories and Manifestoes of Contemporary Architecture,